

تأملی بر نظرات آقای ناصر کاخساز در باره معیار
« حقوق بشر در ایران از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل می‌گذرد »



دکتر منصور بیات زاده

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۶ - ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷

dr.bayatzadeh@ois-iran.com

آقای ناصر کاخساز یکی از افراد سرشناس در بین فعالین سیاسی خارج از کشور، در ماه قبل مقاله ای تحت عنوان «**حقوق بشر و مسئله رشد اجتماعی**» بنگارش در آورده بود، که آنرا در دو بخش از طریق سایت «ایران امروز» انتشار داد. (۱) همچنین آن نوشته را برخی دیگر از سایت های اینترنتی انتشار دادند.

آقای کاخساز به بخش دوم مقاله خود، یک «**تیتیر دوم**» بعنوان «**حقوق بشر در ایران از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل می‌گذرد**» اضافه کرده بود. بنظر من او با اضافه کردن آن «**تیتیر دوم**» به بخش دوم مقاله خود، نه تنها حکمی جدید و غیر منطقی در باره چگونگی روند تحقق حقوق بشر در ایران صادر نموده است، همچنین بر پامال شدن حقوق بشر فلسطینی ها توسط دولت اشغالگر و غاصب اسرائیل در سرزمینهای اشغالی فلسطین پرده استتار کشیده است و در واقع با اظهار نظر و موضعگیری نادرست، غیرمسئولانه و بی ربط خود، به تبلیغات گمراه کننده ای دست زده است.

بیان چنان گفتار غیر منطقی و غیر مسئولانه ای از سوی آقای ناصر کاخساز باعث تعجب من شد!! من (منصور بیات زاده) با تمام احترامی که برای آقای ناصر کاخساز قائلم، نمی توانم در مقابل «**حکم**» صادر شده از سوی ایشان در باره چگونگی تحقق «**حقوق بشر**» در وطنمان ایران - که یکی از مسائل کلیدی جامعه ما می باشد - و ربط دادن آن خواست به خواست «**به رسمیت شناختن دولت اسرائیل**» از سوی دولت ایران، سکوت اختیار کنم و از کنار این گفتار غیر اصولی و غلط، که در واقع چیزی جز تبلیغ یکطرفه بنفع دولت اشغالگر اسرائیل نیست بگذرم!

ضروریست متذکر شد که تعجب من بدین خاطر نبود که چرا چنین اظهارات غیر معقولانه و غیر مسئولانه و بی ربطی از سوی فردی بیان گشته است، که در دوران رژیم محمد رضا شاه پهلوی، باتفاق مبارزینی همچون شکرالله پاکنژاد (شکری)، مسعود بطحایی و ۱۵ مبارز دیگر از قبیل ناصر

رحیم خانی و محمد رضا شالگونی معروف به «گروه فلسطین» (۲) محاکمه شدند، که عده ای از آنها در هنگام خروج غیر قانونی از مرز ایران (در ناحیه خرمشهر - حلبچه) بخاطر پیوستن به رزمندگان فلسطینی، دستگیر شده و برخی از آن افراد بعداً توسط عباس شهریاری (معروف به مرد هزارچهره) ... لو رفته بودند، که در سال ۱۳۴۹ در دادگاه نظامی بدوی سه نفر از افراد که نامشان ذکر شد (پاکنژاد، کاخساز، بطحایی)، به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شدند و در «دادگاه تجدید نظر نظامی» بجای تخفیف در حکم دادگاه بدوی، برای ۷ نفر از جمله آقای کاخساز حکم حبس ابد صادر شد و حکم ۵ سال زندان محمد رضا شالگونی به ۱۰ سال زندان تبدیل گردید، که اگر افشاگرها و مبارزاتی که در آن زمان از سوی کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی به حمایت از حقوق دمکراتیک آن افراد و در اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران در سطح جهان انجام نگرفته بود، هیچ بعید نبود که بعضی از آن افراد از سوی رژیم شاه به جوخه اعدام سپرده می شدند. در رابطه با حکم نهائی دادگاه نظامی، روزنامه لوموند در آنزمان نوشت: «**هنگامی که رئیس دادگاه احکام را قرائت میکرد، محکومین به حبس ابد در حین شنیدن احکام به خواندن سرود انترناسیونال پرداختند.**»

با توجه به توضیحاتی که رفت، ضروریست متذکر شد که بنظر من، این حق آقای ناصر کاخساز است که در نظرات و عقاید گذشته خود تجدید نظر نماید و نظرات و اعمالی را که در دوران رژیم شاه صحیح ارزیابی می کرده است، از جمله دفاع از حقوق پایمال شده مردم فلسطین و حمایت از مبارزات نیروها و مبارزین فلسطینی که علیه بی عدالتیهای ارتش اشغالگر اسرائیل دست به مقاومت زده و با مقاومت و مبارزات خود، آزادکردن سرزمین های اشغالی فلسطین را هدف داشتند و در آنزمان به داشتن چنان نظرات و عملکردهایی افتخار می کرد، بطوریکه در دادگاه نظامی شاه، پس از اینکه به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شد، سرود انترناسیونال را باتفاق همزمان خود خواند، اما در مقطع کنونی عکس آن نظرات را داشته باشد و حتی به تبلیغ نظرات جدید خود، یعنی برسمیت شناختن دولت اشغالگر اسرائیل بپردازد، بدون اینکه کوچکترین توجهی به حقوق پایمال شده مردم فلسطین از سوی آن دولت اشغالگر بنماید!!

انتقاد من در این نوشته بهیچوجه متوجه تغییر موضع سیاسی ایشان - صرفنظر از اینکه من با مواضع ایشان موافق و یا مخالف باشم - نیست، چون من همانطور که قبلاً اشاره کردم، حق تجدید نظر در مواضع سیاسی را از حقوق دمکراتیک هر فردی از جمله ایشان می دانم. انتقاد من به ایشان مربوط به «**حکمی**» است که ایشان در رابطه با «**تحقق حقوق بشر**» در ایران صادر نموده است و آن عبارتست از برسمیت شناختن دولت اسرائیل از سوی دولت ایران. همانطور که قبلاً اشاره رفت، من چنین شرط و شروطی را قبول ندارم و آنرا غلط و انحرافی ارزیابی می کنم.

البته بی جا نیست در رابطه با شرط و شروط آقای کاخساز در رابطه با تحقق حقوق بشر در ایران یاد آور شد که اگر ما معیار تحقق حقوق بشر در ایران را، آنچنانکه این جناب در مقاله مورد بحث، «**برسمیت شناختن دولت اسرائیل**» بیان کرده اند، بپذیریم؛ در چنین حالتی حتماً باید قبول کنیم که در دوران رژیم محمد رضا شاه پهلوی، حقوق بشر در ایران مستقر بوده است، زیرا رژیم محمد رضا شاه، نه تنها دولت اسرائیل را برسمیت می شناخت، بلکه با آن دولت اشغالگر رابطه حسنه نیز داشت، بطوریکه مأمورین «موساد» در تربیت مأمورین «ساواک» زحمات زیادی را متقبل شدند، و فراموش کنیم که در آنزمان شکنجه گرانی همچون یوسفی، عضدی، حسین زاده ... در زندانهای قزل قلعه و اوین حضور داشتند!

من هیچ شکی ندارم که آقای ناصر کاخساز همچون نگارنده (منصور بیات زاده) و بسیاری از طرفداران حقوق بشر در ایران و جهان قبول دارند که «**حقوق بشر**»، «**حقوقی**» است که شامل حال تمام انسانهای سراسر کره زمین، صرفنظر از ملیت، جنسیت، وابستگی قومی و نژادی و مذهب

آنها می شود و در رابطه با توجه باین اصل، بهیچوجه نباید تفاوتی بین پایمال شدن حقوق بشر در ایران و یا در سرزمین های اشغال شده فلسطین قائل شد! حال چرا و بچه دلیلی ایشان بدون در نظر گرفتن این واقعیت که هم ایرانیها، هم فلسطینی ها و هم اسرائیلیها (یهودیها) ... همگی «بشر» هستند، با وجود این، چنان حکم یکطرفه و بی ربطی را در رابطه با چگونگی تحقق حقوق بشر در ایران صادر نموده اند، بدون اینکه در نوشته خود حد اقل به پایمال شدن حقوق فلسطینیها از سوی مأمورین دولت اشغالگر اسرائیل کوچکترین توجه ای کرده باشند؟

گفتار آقای کاخساز در رابطه با شرایط برقراری حقوق بشر در وطنمان ایران، همانقدر نا وارد و بی اساس می باشد که نظرات آن بخش از ایرانیان که به پایمال شدن حقوق بشر در ایران بدرستی ایراد دارند ولی با وقاحت بیان می دارند که پایمال شدن حقوق فلسطینی ها توسط دولت اسرائیل بما ایرانیان چه ربطی دارد و در واقع این حضرات با استدلال غلط خود بر «جهانشمول بودن حقوق بشر» خط بطلان می کشند و در گفتار خود چنین جلوه می دهند که ما ایرانیان باید فقط از «حقوق بشر در ایران» دفاع کنیم، اگرچه سعدی علی الرحمه، گفته است:
بنی آدم، اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند؛

در رابطه با به رسمیت شناختن دولت اسرائیل، ضروریست متذکر شد که سازمان سوسیالیست های ایران، که من مصدقی یکی از اعضای آن می باشم، بر این نظر است که وجود کشور اسرائیل بعنوان یکی از کشورهای خاورمیانه که همچنین عضو سازمان ملل متحد است، واقعیتی انکار ناپذیر است. هر زمان که دولت وقت آن کشور حاضر شود سرزمینهای اشغالی فلسطینی ها را بطور کامل تخلیه نماید و به خواست مراجعت تمام فلسطینیهای آواره به سرزمین پدریشان تن در دهد و در واقع به برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین در سرزمین های اشغالی صحنه بگذارد، در چنان حالتی صرفنظر از اینکه چه گروه سیاسی بر ایران حکومت نماید، حتماً بر پایه منشور سازمان ملل متحد، دولت اسرائیل - دولتی که دولت مستقل فلسطین و تمام دولت های کشورهای عربی آنرا برسمیت شناخته باشند - را برسمیت خواهد شناخت و با آن دولت رابطه معمولی سیاسی برقرار خواهد نمود. اما در موقعیت فعلی که دولت اسرائیل با کمک دولت ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپائی و حتی سوء استفاده از حق «وتو» ی دولت ایالات متحده آمریکا، به اشغال سرزمین های فلسطین ادامه می دهد و بر پایمال کردن حقوق فلسطینیها پافشاری می نماید، امری است که نباید مورد پشتیبانی و تأیید قرار گیرد.

مخالفت با نظرات غلط آقای دکتر محموداحمدی نژاد، رئیس جمهور ایران در انکار هولوکاوست و ادعای نابودی کشور اسرائیل، (۳) نباید سبب گردد تا ما جنایاتی که از سوی دولت اشغالگر اسرائیل بر مردم فلسطین روا می رود را بخاطر مقابله با آن نظرات غلط، همچنین انکار کنیم!!

اگر آقای ناصر کاخساز موضوع برسمیت شناختن دولت اسرائیل را بر پایه منشور سازمان ملل مطرح نموده بود، و در رابطه با برسمیت شناختن دولت اسرائیل آنرا نه به تحقق حقوق بشر در ایران، بلکه به موضوع تخلیه سرزمینهای اشغالی فلسطینی ها از سوی آن دولت ربط داده بود، چون بر پایه همان منشور سازمان ملل، دولت اسرائیل بهیچوجه حق اشغال سرزمین های فلسطین را ندارد و سازمان ملل و شورای امنیت در رابطه با تخلیه سرزمینهای اشغالی تا کنون ۳۰۰ قطعنامه (۴) صادر نموده اند، که دولت اسرائیل با بهره مند شدن از حق وتوی دولت ایالات متحده آمریکا از پذیرفتن آنها تا کنون سرباز زده است، حتماً چنان خواستی، مورد تأیید نیروهای ملیگرا و دمکرات ایرانی از جمله نگارنده قرار می گرفت!

به این امید که آقای ناصر کاخساز توضیح دهند که اصولاً چه رابطه ای بین برسمیت شناختن اسرائیل و تحقق حقوق بشر در ایران وجود دارد و چرا در رابطه با برسمیت شناختن دولت اسرائیل، محترم شمردن حقوق ملت فلسطین از سوی دولت اسرائیل، نباید نقش محوری داشته باشد؟

پانویس :

۱ - حقوق بشر در ایران از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل می‌گذرد ، ناصر کاخساز
«حقوق بشر و مساله رشد اجتماعی» (پاره دوم)

به نقل از سایت ایران امروز

[/http://think.iran-emrooz.net/index.php?/think/more/14686](http://think.iran-emrooz.net/index.php?/think/more/14686)

و به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران

www.ois-iran.com/ois-iran-3347-naser-khaksaz-darbarah-e-tahaghoghe-hoghoghe-bashar-dar-iran.htm

۲ - اسامی ۱۸ نفر از مبارزینی که تحت عنوان «گروه فلسطین» در دادگان نظامی دوران محمد رضا شاه محاکمه شدند ، عبارت بودند از:

شکرالله پاکنژاد ؛ ناصر کاخساز ؛ مسعود بطحائی ؛ ناصر رحیم خانی ؛ احمد صبوری ؛ عبدالله فاضلی ؛ هاشم سکوند ؛ هدایت الله سلطان زاده ؛ عبدالله نواب بوشهری ؛ بهرام شالگونی ؛ داود صلحدوست ؛ سلامت رنجبر ؛ محمد رضا شالگونی ؛ ابراهیم انزابی نژاد ؛ محمد معزز ؛ ناصر جعفری ؛ فرشید جمالی ؛ فرهاد اشرفی .

به نقل از اسناد کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) مربوط به دفاع از « گروه فلسطین».

۳ - بیانیه سازمان سوسیالیست های ایران در باره مواضع آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران؛ مبنی بر پاک کردن کشور اسرائیل از روی نقشه جغرافیائی خاورمیانه و انکار جنایات «هولوکاست» علیه یهودیان در دوران آلمان نازی و آدلف هیتلر!!

به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران

www.tvpn.de/ois/ois-iran-1003.htm

۴ - ۴۰ سال پس از قطعنامه‌ی ۲۴۲ سازمان ملل در مناقشه‌ی خاورمیانه

به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران

www.ois-iran.com/ois-iran-3318-tchehel-sal-pasaz-ghatnamahe-242-alehe-israil-azar-1386.htm